

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان

(مطالعه موردی: زنان تحت عمل جراحی زیبایی در شهر شیراز)

مریم مختاری*، حلیمه عنایت**

چکیده: هدف از پژوهش حاضر کشف نقش و نحوه عمل نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنانی بوده که تحت عمل جراحی زیبایی در شهر شیراز قرار گرفته‌اند. روش تحقیق مورد استفاده، روش کیفی نظریه مبنایی بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۲۴ نفر از زنانی که در طی سال ۱۳۸۷ در شهر شیراز اقدام به جراحی زیبایی نمودند مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. جهت دستیابی به نظریه مبنایی از طریق تحلیل کدگذاری، ۳۶ مفهوم، ۳ مقوله اصلی، ۹ مقوله فرعی و ۱ مقوله هسته تحت عنوان: «تصور بدنی زنان تحت سیطره نگرش ظاهرگرایانه مردان در صور گوناگون» استخراج گردید. نتایج این مطالعه کیفی نشان می‌دهد که تصور بدنی زنان از طریق نگرش جنسیتی که آنان نسبت به خود، مردان نسبت به زنان و زنان نسبت به مردان دارند، شکل می‌گیرد. اما نگرش زنان نسبت به خود، ملهم از نگرش ظاهرگرایانه مردان نسبت به زنان است. پیشرفت‌های علمی در زمینه جراحی‌های زیبایی نقش تسهیل‌گر در افزایش توجه به بدن و ظاهر داشته و به نگرش ظاهرگرایانه مردان نسبت به زنان باری رسانده است.

واژگان کلیدی: نگرش جنسیتی، زنان، جراحی زیبایی، نظریه مبنایی، تصور بدنی، توجه به بدن.

مقدمه و طرح مسأله

جامعه‌شناسی جنسیت امروزه در ارتباط تنگاتنگ با جامعه‌شناسی بدن قرار گرفته است. «جنسیت به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و رفتارهایی اطلاق می‌گردد که درصدد است به گونه‌ای متفاوت، با آنچه که مردان و زنان در جامعه‌ای ویژه انتظار دارند، برخورد نماید. چنین تفاوت‌هایی ممکن است واقعاً وجود داشته باشد یا ممکن است تنها به صورت فرضی وجود داشته باشد» (بار، ۱۳۸۳: ۲۱).

Mokhtari1380@yahoo.com

Ha_enayate@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۸۹

* استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

** استادیار و عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۹

ربط جامعه‌شناسی جنسیت و جامعه‌شناسی بدن را می‌توان در نتیجه تغییرات اجتماعی جستجو نمود. امروزه در جریان تغییرات اجتماعی، حجم عظیم اختراعات انجام شده و به عبارتی ورود به جامعه شبکه‌ای، تغییر در نیازها و فعالیت‌ها ایجاد شده‌است، به طوری که این امر، به خصوص نقش و کارکرد بدن زن را تحت تأثیر قرار داده است. آنچه مسلم است آنکه ما هر یک بدنی داریم و هر کاری که انجام می‌دهیم با بدن‌هایمان است. خوابیدن، خوردن، فکر کردن، کار و بازی؛ لذا هر جنبه از زندگی مان «تجسم یافته»^۱ است.

توجه به دگرگونی در استفاده از بدن در جریان زندگی، موجب توجه به مفهوم «تصور بدنی»^۲ گردید. مفهوم تصور بدنی برای اولین بار توسط شلدر^۳ مطرح شد. وی «تصور بدنی» را با یک چشم‌انداز روانشناسانه این‌گونه تعریف نموده است: «تصویری از بدنمان که در ذهنمان شکل می‌دهیم و شیوه‌ای که بدن برایمان آشکار می‌شود. تصور بدنی یک فرآیند شناختی صرف نیست. بلکه خواسته‌ها، نگرش‌های عاطفی و کنش متقابل با دیگران را منعکس می‌سازد» (شلدر، ۱۹۵۰: ۱۱).

این مفهوم یک سازه پیچیده است که دارای دو بعد «سرمایه‌گذاری تصور بدنی»^۴ و «ارزیابی تصور بدنی»^۵ است: «سرمایه‌گذاری تصور بدنی، درجه اهمیت رفتاری و شناختی مردم به بدن و ظاهرشان را منعکس می‌کند. از طرف دیگر ارزیابی تصور بدنی به درجه رضایت و عدم رضایت از بدن و ظاهر مربوط می‌شود» (کش و پرژنسکی، ۲۰۰۲: ۵۱۰).

بسیاری از پژوهش‌ها حاکی از آن است که زنان ظاهر فیزیکی خود را آن‌گونه که هست نمی‌پذیرند و همواره به دنبال تغییر در آن هستند. به عنوان مثال در پژوهشی که توسط اسپیتزر^۶ و همکاران بر روی زنان دانشگاهی انجام گرفته، ۸۰ درصد زنان، نارضایتی بدنی داشته‌اند (اسپیتزر و همکاران، ۱۹۹۹: ۵۴۷). همچنین در گزارشی به نقل از نائب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، روزانه ۲ زن در ایران زیر تیغ جراحی زیبایی جان خود را از دست می‌دهند و ایران رتبه اول جراحی‌های زیبایی را در جهان داراست (عسکری، ۱۳۸۵). بر این اساس این مسأله مطرح می‌شود که چرا جراحی‌های زیبایی تا به این اندازه مورد استقبال قرار

1. Embodied

2. Body image

3. Schilder

4. Body image investment

5. Body image evaluation

6. Spitzer

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۶۹

گرفته است. از آنجا که این آمار درباره جراحی زیبایی زن است، می‌تواند مسأله این‌گونه مطرح شود که نقش نگرش‌های جنسیتی در پدید آمدن تصور بدنی زنان چیست؟

توجه به نگرش‌های جنسیتی از آن رو مورد توجه قرار گرفته که می‌تواند در سمت و سو دادن به تصور بدنی نقش بسزایی داشته باشد. به گونه‌ای که توجه به بدن را زیاد یا کم رنگ نماید.

بر اساس نقش نگرش‌های جنسیتی در جامعه، اهداف پژوهش به شرح ذیل دنبال می‌شود:

- ۱- شناخت نگرش نسبت به زن و مرد و نقش آن در پیدایش تصور بدنی زنان
- ۲- شناخت راهبردهای اتخاذ شده ی مرتبط با تصور بدنی زنان، در نتیجه نگرش‌های جنسیتی موجود
- ۳- شناخت پیامدهای تصور بدنی زنان به واسطه نگرش جنسیتی موجود در جامعه

مطالعات پیشین

موضوع تصور بدنی، موضوع نسبتاً جدیدی می‌باشد و در ایران تحقیقات اندکی در این باره انجام شده است. از جمله پژوهش‌های انجام گرفته «ویژگی‌های شخصیتی داوطلبان انجام جراحی زیبایی» توسط ساروی و قلعه‌بندی (۱۳۸۳)، «دختران جوان و تصویر ذهنی از بدن» توسط سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳)، «دختران جوان و دغدغه تناسب اندام» توسط سازمان ملی جوانان (۱۳۸۴)، «بررسی جامعه‌شناختی آرایش و جراحی‌های زیبایی شهر تهران» توسط آقایاری (۱۳۸۴)، «زنان و فرهنگ بدن، عوامل مؤثر بر گرایش به جراحی‌های زیبایی» توسط فرزانه (۱۳۸۵) می‌باشد. در برخی از این پژوهش‌ها به تأثیر فشار اجتماعی در توجه به بدن و زیبایی ظاهر اشاره شده که حاکی از نگرش جنسیتی موجود در جامعه مورد مطالعه بوده است. علاوه بر تحقیقات داخلی، تحقیقات خارجی نسبتاً زیادی درباره تصور بدنی صورت گرفته که تشابه زیادی با یکدیگر داشته‌اند. از جمله تحقیقات خارجی انجام گرفته: «پده‌آل لاغری: نقش انتظارات مثبت و منفی» توسط هولوی (۲۰۰۹)، «نشانه یا راه حل؟ معنای متعارف جراحی زیبایی برای زنان» بیکر-پیتز (۲۰۰۸)، «تجربه‌ای برای بدن مدرن، استفاده از جراحی زیبایی توسط زنان چینی» توسط لائو (۲۰۰۸). اگر چه تحقیقات انجام شده به نقش فشارهای اجتماعی در توجه به بدن اشاره داشته‌اند، اما کمتر به موضوع نگرش‌های جنسیتی، در ارتباط با تصور بدنی زنان پرداخته‌اند.

مبانی نظری پژوهش

زمانی که قصد انجام تحقیق، ایجاد نظریه زمینه‌ای است، نظریه‌ها صرفاً جهت آشنایی با مبانی نظری موضوع مطرح می‌شود و اینکه ذهن محقق احاطه نظری نسبت به موضوع به‌دست آورد. مفهوم اساسی در این پژوهش، مفهوم نگرش است. نگرش نوعی حالت جسمانی یا وضعیتی است که هم حالت عاطفی را بیان می‌دارد و هم حالت را به حرکتی مبدل می‌سازد (ان ماری، ۱۳۷۱: ۱۱۹). تبدیل حالت عاطفی به حرکت، دارا بودن «خود» هر فرد را نشان می‌دهد.

اولین ویژگی «خود» را می‌توان فرآیندی بودن دانست که تکمیل آن از ابتدای حیات تا دوران بلوغ ادامه دارد. «تأمل با خود» رویدادی است که در این فرآیند رخ می‌دهد. به این صورت که افراد «خود» را مانند اشیایی در راستای دیگر اشیاء و در محیط اجتماعی‌شان می‌بینند. «خود» حاصل ارتباط با دیگران است و بر اساس آن، تعامل بعدی شکل می‌گیرد، رفتارها تفسیر می‌شود و ارزیابی‌ها صورت می‌گیرد (ترنر، ۱۹۹۸: ۳۴۴).

کولی با طرح «خویش‌شن آینه‌سان» بر این باور است که خود، نتیجه پیش فرض‌های مردم است. «تصویر تا اندازه مشخصی از خود شخص و در هر ذهن معینی وجود دارد و نوع احساسی که شخص از خود دارد، با رویکردی تعیین می‌شود که فکر می‌کنیم دیگران نسبت به ما دارند» (کولی به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۸۸).

نگرش جنسیتی مقوله‌ای است معطوف به دو جنس مرد و زن که در طول زمان پدید می‌آید که بی‌پیرایه و خالص نمی‌باشد، بلکه نگرش‌ها از تصورات قالبی سرچشمه می‌گیرند. «تصورات قالبی جنسیتی به عنوان باورهای مبتنی بر رضایت درباره ویژگی‌های مردان و زنان در نظر گرفته شده‌است. به لحاظ اجتماعی این باورها درباره ویژگی‌های مردان و زنان بر ادراکات مشاهده‌گر از مردان و زنان اثر می‌گذارد» (کلیولند و همکاران: ۲۰۰۰).

نکته حائز اهمیت در این باره آن است که باورهای مبتنی بر رضایت، معطوف به شرایط هستند و انعکاس دهنده‌ی محیط اجتماعی. تجفل^۱ با یک رویکرد شناختی می‌گوید: «تصورات قالبی به وسیله جانبداری در استراتژی پردازش اطلاعات توسط افراد تبیین می‌گردد» (تجفل، ۱۹۶۹: ۸۵).

^۱. Tajfel

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۷۱

به گفته بیرنت^۱ تصورات قالبی در بردارنده ۴ مؤلفه می‌باشند: «تصورات قالبی جنسیتی از مؤلفه‌هایی شامل خصوصیات شخصیتی، ویژگی فیزیکی، نقش‌های شغلی و جهت‌گیری نقش جنسیتی (درجه زنانگی و مردانگی) (بیرنت و همکاران، ۱۹۹۱). چهار مؤلفه مذکور می‌تواند در ارتباط با تصور بدنی قرار گیرد.

روش پژوهش

روش پژوهش، روش کیفی با اتکاء به استراتژی نظریه‌مبنایی می‌باشد. گلیزر و اشتروس^۲ معتقدند نظریه‌مبنایی یک روش استقرایی است که از داده‌هایی که به طور منظم از پژوهش اجتماعی به دست آمده، نظریه تولید می‌کند (گلیزر و اشتروس، ۱۹۶۷: ۳).

براساس نظر اکثر متخصصان زیبایی بهتر است جراحی‌های زیبایی در فاصله سنی ۱۸ تا ۳۵ سال صورت گیرد، تا نتیجه جراحی با تغییرات بدنی سازگار باشد.^۳ مشارکت‌کنندگان در پژوهش زنان ۱۸ تا ۳۲ ساله‌ای بودند که در شهر شیراز اقدام به جراحی زیبایی نموده‌اند. روش نمونه‌گیری این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند^۴ بوده است. بر حسب اشباع نظری در نمونه‌گیری هدفمند، مصاحبه با ۲۴ نفر، کافی به نظر آمد. این تعداد افراد با مراجعه به مطب‌های جراحی زیبایی نمونه‌گیری شدند و کسانی بودند که حداکثر همکاری با محقق را پذیرفتند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. مصاحبه شونده‌گان ۳ نفر دانشجوی، ۹ نفر شاغل و بقیه یا مجرد غیر شاغل بودند و یا متأهل خانه‌دار و از نظر سطح تحصیلات نیز، ۵ نفر دیپلم، ۵ نفر فوق دیپلم و بقیه لیسانس بودند که نقل قول‌های آنان با نام مستعار در این پژوهش آورده می‌شود.

در تحلیل داده‌ها از شیوه تحلیل کدگذاری استفاده شد. اشتروس و کرین^۵ کدگذاری را اینگونه تعریف می‌کنند: «فرایندهای تحلیلی که از آن طریق، داده‌ها تفکیک، مفهوم‌پردازی و یکپارچه می‌شوند تا نظریه را شکل دهد» (اشتروس و کرین، ۱۹۹۸: ۳). ابزار تحلیلی مورد استفاده در فرآیند کدگذاری و تحلیل داده‌ها «پارادایم^۶» است. این ابزار تحلیلی یک روش ابداعی توسط کرین و اشتروس است. «پارادایم شامل سه

1. Biernat

2. Glaser & Strauss

۳. نظر مطرح شده در مصاحبه انجام گرفته با چند متخصص در شهر شیراز می‌باشد.

4. Purposive

5. Strauss & Corbin

6. Paradigm

بخش اصلی می‌باشد: شرایط^۱، کنش/کنش متقابل^۲ و پیامدها^۳ است. شرایط می‌تواند از زمان، مکان، فرهنگ، قواعد، عقاید، اقتصاد، قدرت و جهان اجتماعی و سازمان‌ها نشأت گیرد که سه حالت: علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای به خود می‌گیرد.» (همان: ۱۳۱-۱۲۸). با استفاده از این ابزار، نهایتاً نظریه مبنایی درباره موضوع مورد پژوهش به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس تجزیه و تحلیل انجام گرفته، ۳۶ مفهوم، ۹ مقوله فرعی و سه مقوله اصلی تحت عنوان نگرش زنان نسبت به خود، نگرش مردان نسبت به زنان از دید زنان و نگرش زنان نسبت به مردان، به دست آمد. همچنین بر اساس این سه مقوله اصلی، یک مقوله هسته نهایی به دست آمد.

نگرش زنان نسبت به خود

از ۲۴ مشارکت‌کننده، صحبت‌های ۲۱ نفر به نوعی نگرش زنان نسبت به خود را نشان می‌داد که در اقدام به جراحی زیبایی آنان نقش داشته است. بر اساس مصاحبه‌های انجام گرفته، روند شکل‌گیری تصور بدنی برحسب نگرش زنان نسبت به خود، این‌گونه ترسیم می‌شود: در آغاز زیبایی به مثابه یک ویژگی زنانه تلقی می‌گردد. سپس این اعتقاد، تبدیل به یک اسطوره می‌شود، پس از آن برتری جویی در لوای ظاهر پدید می‌آید و تلقی زیبایی ظاهر به عنوان یک سرمایه شکل می‌گیرد و در نهایت نیز تفاوت بین دنیای زنانه و مردانه را ایجاد می‌کند. در ادامه این مقوله با ذکر نمونه‌ای از صحبت‌های مشارکت‌کنندگان تفسیر می‌گردد.

تلقی زیبایی به مثابه ویژگی زنانه: زنان دارای این نگرش نسبت به خود هستند که زیبایی یک ویژگی زنانه و البته یک صفت بایسته است. پاسخ به این سؤال که «زن کیست؟»، بخشی از نگرش زنان نسبت به خود را شکل می‌دهد. این سؤالی است که لیلا مشارکت‌کننده ۲۶ ساله، مجرد، غیر شاغل با تحصیلات فوق دیپلم با پاسخ به آن، منشأ علاقه مندی خود را به جراحی زیبایی آشکار ساخته است:

1. Condition
2. Action/Interaction
3. Consequences

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۷۳

«ببینید من یک دختر هستم، تو جامعه‌ای که زیبایی برای دختر شناخته شده. پس من به زیبایی توجه نکنم کی باید توجه کنه؟ مردها باید توجه کنن؟ به نظرم زن کلاً مظهر ناز و ظرافت و زیبایی است. زن ناز داره، این ناز هم طبیعی و فطری هست. منم یک زنم و زیبایی مال منه. من فکر کردم که جراحی می‌تونه به زیبایی‌ام اضافه کند.»
سمانه ۲۸ ساله، متأهل، خانه‌دار و دارای تحصیلات دیپلم نیز نظری شبیه مشارکت‌کنندگان مجرد داشته است. اظهارات آنان دال بر تلقی زیبایی به مثابه ویژگی زنانه، زیبایی امری آموختنی و مورد تقاضا است و نه ذاتی.

زیبایی به عنوان یک اسطوره برای زنان: به اعتقاد ولف^۱ داستان اسطوره زیبایی این چنین است: «این کیفیت نامیده شده تحت عنوان زیبایی، به صورت عینی و جهانی وجود دارد. زنان می‌بایست بخواهند که آن را داشته باشند و مردان می‌بایست زنانی را که آن را دارا هستند، بطلبند. این تجسم^۲ برای زنان و نه مردان الزامی است که موقعیت آنها ایجاب می‌کند» (ولف، ۲۰۰۲: ۱۲).

زیبایی به عنوان یک نعمت، از جمله مفاهیمی است که از صحبت‌های فرخنده و اکرم استنتاج شده است. فرخنده مشارکت‌کننده ۱۸ ساله، مجرد و دانشجوی، زیبایی را نوعی نعمت برشمرده است: «من از بچگی تا حالا چیزی که متوجهش شدم اینه که دختر خیلی زیباییش مهمه. براش یک نعمت بزرگه. درسته که می‌تونه با تلاش به خیلی چیزها برسه، اما داشتن زیبایی یک چیز دیگه است که خدا به همه کس نداده. حالا هرکی داره خوش به حالش و هرکی کمتر داره سعی می‌کنه اونو برای خودش تا حدی به وجود بیاره.»
مهسا و ماندانا که ۲۴ ساله، مجرد با تحصیلات لیسانس و غیر شاغل بوده‌اند و مریم ۲۷ ساله، مجرد و شاغل نظر مشابهی داشته‌اند که در ادامه نظر مهسا آورده می‌شود: «درسته که از بچگی تو ذهن ما فرو کردن که زیبایی برای دختر مهمه، ولی واقعاً من فکر می‌کنم لازمه که به عنوان یک زن به زیباییمون توجه کنیم. زن باید تلاش کنه زیبایی اش را حفظ کنه. من هم کم کم این را برای خودم قبول کردم.»

با اسطوره شدن زیبایی صرف انرژی احساسی بالطبع در اقدام به انجام جراحی زیبایی می‌تواند راهگشا باشد.

مینا ۳۰ ساله، متأهل دیپلمه و خانه دار به احساسی بودن زنان اشاره می‌کند:

1. Volf

2. Embodiment

«زنها کلاً تو اینکه به چی بیشتر اهمیت بدهند، هم احساساتی‌تر هستن و هم حساستر. دخترا خیلی جلوی آینه می‌رون، مدام به خودشون توجه دارن. خود من هم همین طورم. گاهی جلوی آینه می‌رم و از زیبایی خودم تعریف می‌کنم. حالا از بین اجزای صورت، به نظرم بینی خیلی مهمه. خانم‌ها باید بینی ظریف‌تری داشته باشن. بینی ظریف هم خیلی جلوه زن را زیاد می‌کنه.»

انرژی احساسی تراوش شده در فرد زمانی که هنوز امکان دست یافتن به ظاهر مطلوب میسر نشده، در قالب رؤیایپردازی تجلی می‌یابد. فرزانه ۲۶ساله، مجرد، شاغل و لیسانس، با حالتی رؤیایگونه می‌گوید:

«ما هر دو زن هستیم و فکر کنم اینو درک کنید که حداقل تو جامعه ما، توی مراسم ازدواج چقدر ظاهر عروس مهمه. دوست دارم موقعی که عروس می‌شم، یک عروس خوشگل باشم. قبل از اینکه عمل کنم، فکر اینکه با این بینی به عنوان عروس ظاهر بشم، برام عذاب آور بود. مردها مشکلی تو ظاهر ندارن. اگه مرد پیر بشه تازه می‌گن پخته شده، اما برای زن می‌گن پیر شده، دیگه جذابیتش را از دست داده. بینی هم به مرور زمان افتاده می‌شه. با عمل از افتادگیش جلوگیری می‌شه.»

به این وسیله احساس فاصله میان واقعیت و وضعیت مطلوب با درنظرگیری موقعیت‌های مهمی که در آن زیبایی نقش اساسی دارد، بخشی از زیبایی به عنوان اسطوره برای زنان را شامل می‌شود.

تلقی زیبایی به عنوان سرمایه زن: سرمایه به عنوان امتیازات و داشته‌هایی شناخته می‌شود که افراد در صحنه روابط اجتماعی که با دیگران دارند، می‌توانند آن را به کار گیرند. سرمایه به زعم بورديو اقسام گوناگونی دارد «سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی(انواع گوناگون روابط ارزشمند با دیگران مهم)، سرمایه فرهنگی (انواع و اقسام معرفت مشروع) و سرمایه نمادین (پرستیژ و افتخار اجتماعی)» (جنکینز، ۱۳۸۵: ۱۳۶).

توجه و دستکاری بدن را می‌توان جزئی از سرمایه نمادین دانست. بر حسب مصاحبه‌های انجام گرفته، این نوع سرمایه با دربرداشتن سه ضلع پذیرش، شهرت و ارزش در جامعه، پرستیژ و افتخار را برای فرد به ارمغان می‌آورد. ماریا ۲۵ ساله، مجرد، فوق دیپلم و شاغل در این باره می‌گوید:

«بینید من توی یک شرکت خصوصی کار می‌کنم و خیلی وقت‌ها روی رفتار مردم دقت می‌کنم. یکی از چیزهایی که همیشه نظرم را جلب کرده اینه که زن هر چه زیباتر باشه، ارزشش بیشتره. مثل اینکه هرچی ثروت بیشتری داشته باشی، بیشتر می‌تونی مسافرت بری، خرید کنی. زیبایی هم یک چنین چیزی هست که می‌تونه ارزشمند باشه. من توی محیط کار و تو جامعه اینها را تجربه کردم و دیدم دختری که زیبایی بیشتری داره به نوعی با ارزشتره. خب با جراحی هم تا حدی می‌شه اون چیزی که با ارزشه را به دست آورد.»

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۷۵

صبا ۲۹ ساله، مجرد، شاغل دارای مدرک و لیسانس، به سرمایه شدن زیبایی اشاره دارد:

«به شخصه باید بگم درسته که جراحی زیبایی انجام دادم اما اصالتی برای آن قایل نیستم. باور کنید تا یکی دو سال پیش هم به فکر جراحی زیبایی نبودم. خیلی به نجابت و پاکی خودم به عنوان یک دختر تو جامعه افتخار می‌کردم و برام یک تکیه گاه بود. الان هم هست. می‌تونم بگم یک زن نجابتش از همه چیز مهمتره. اما در عمل می‌بینیم که زیبایی‌اش از همه چیز مهمتر می‌شده. تو جامعه ما این طوریه. به نظرم الان اگه من بخوام فقط به داشتن نجابتم تکیه کنم، باختم. دختری که زیبا باشه خانواده‌اش را بهتر موقع ازدواج می‌پذیرن. اما اگه زیبایی چندانی نداشته باشه، همه مخالفت می‌کنن. می‌تونم بگم اول از همه این چیزها روی من اثر گذاشته.»

به این ترتیب تقدم ظاهر فرد نسبت به سایر ویژگی‌ها اعم از تحصیلات، خانواده و شغل از دید برخی از مشارکت‌کنندگان به گونه‌ایست که تعاملات افراد را یکی پس از دیگری تحت الشعاع خود قرار می‌دهد.

تفاوت دنیای زنانه با دنیای مردانه: تفاوت در معیار شایستگی زن و مرد، تفاوت در نوع رقابت‌ها و اهداف و مطالبات از جمله مفاهیمی است که بر اساس صحبت‌های برخی مشارکت‌کنندگان استخراج شده‌است. در این باره سمیه ۲۷ ساله، شاغل و دارای تحصیلات لیسانس، اسما ۲۱ ساله و دانشجو، مرجان، ۲۶ ساله، مجرد، لیسانس و شاغل، به عنوان مشارکت‌کنندگان مجرد اظهار نظر کرده‌اند که در ادامه نظر سمیه آورده می‌شود:

«من فکر می‌کنم اینو باید قبول کنیم که زن اصلاً زن بودنش به لطافت و زیباییشه. مردها کمتر می‌یان سراغ این چیزا. چرا؟ چون تو جامعه ما مرد خوب اونیه هست که کار خوب داشته باشه. این زنها هستن که باید خودشونو زیباتر کنن. چون زن شایسته، خیلی به خوشگلی ربط داره. زن با بالا رفتن سن، جذابیتش را از دست می‌ده. لازمه آدم به این قضیه توجه کنه تا دیرتر از قیافه بیفته.»

فاطمه، ۲۳ ساله، متأهل، خانه‌دار با تحصیلات فوق دیپلم، نیز در پاسخ به اینکه «اگر مرد بود باز هم جراحی زیبایی انجام می‌داد یا نه؟» می‌گوید:

«من به عنوان یک زن خانه‌دار معتقدم که چه مرد و چه زن باید کار خودشونو خوب انجام بدهند. من شوهرم بینی‌اش بزرگه، اما این مهم نیست. امتیاز اون تو این چیزها نیست. من فکر می‌کنم مرد باید خوش تیپ و پولدار باشه. زن باید زیبا باشه و شوهرداریش خوب. این منم که با زیبایی بیشتر می‌تونم پیش اون امتیاز داشته باشم. سعی می‌کنم به زیباییم خوب توجه کنم.»

مقوله‌های استخراج شده و نمونه مصاحبه‌ها حاکی از وجود نوعی نگرش ظاهرگرایانه زن نسبت به خود است. اما نگرشی که به شکل مستقل نیست.

نگرش مردان نسبت به زنان

«جامعه‌شناسی فمینیستی نشان می‌دهد زنان به گونه‌ای اجتماعی می‌شوند که خودشان را از چشم مردان می‌بینند. حتی زمانی که دیگران مهم آن‌ها نیز زن هستند، آنها چنان اجتماعی شده‌اند که باز در مورد خود و زنان دیگر، نظر مرد را در نظر می‌گیرند» (ریترز، ۱۳۷۴ : ۵۰۹).

طی مصاحبه‌های انجام شده ۱۲ نفر از مشارکت‌کنندگان به این سؤال که «آیا صرفاً تمایلات خودشان در اقدام به جراحی زیبایی مؤثر بوده یا نه»، پاسخ‌هایی در قالب ۳ مقوله: ۱- کالایی شدن زن برای مردان، ۲- جنس دوم پنداری زنان ۳- نگاه جنسی مدار پسران به دختران، ارائه داده‌اند.

کالایی شدن زن نزد مرد: به اعتقاد تعدادی از مشارکت‌کنندگان، نگاه مردان به جنس زن همانند نگاه به یک کالا است. کالایی که می‌تواند با ارزش یا بی‌ارزش باشد.

مهمین و سمانه و مرضیه که ۳۲ ساله، شاغل و لیسانس است، در نگاه کالائونگی مردان در قالب چشم و همچشمی آنان اشتراک نظر داشته‌اند که در ادامه صحبت مرضیه آورده می‌شود:

«همسرم به من نگفت که جراحی کن، اما برخورد اون توی زندگی مشترک طوریه که من مجبورم به ظاهر خودم توجه خاص داشته باشم. الان من و شوهرم درسته که زندگی مشترک را از نظر اقتصادی هر دوی ما می‌چرخونیم، اما شوهرم بیشتر از اینکه به کمک من تو خونه توجه کنه، اون چیزی که بیشتر از همه اونو خوشحال می‌کنه، ظاهر منه که چقدر بهش توجه دارم. از رفتارش اینو می‌فهمم که ظاهر من روش اثر داره. من فکر می‌کنم هر کسی برای فردی که با او زندگی می‌کنه یک ملاک افتخار داره. مردها اکثراً ملاک افتخارشون به زن، زیباییشه. این براشون از هر خصوصیت دیگه‌ای مهمتره.»

سمیه و در پاسخ به این که «آیا صرفاً تمایلات خودتان مهم بوده یا فکر می‌کنید رفتار دیگری هم بر تصمیم شما برای جراحی اثر گذاشته» این‌گونه پاسخ می‌دهد:

«می‌تونم بگم تنها خواست خود من نیست. در وهله اول باید بگم که من تو جامعه در ارتباط با مردها هستم که قراره بعداً با یکی از اونها زیر یک سقف زندگی کنم. خب همین باعث می‌شه به چیزهایی که اونها درباره زنها می‌گن فکر کنم. باید بگم که اخلاق و روحیه مردای امروزی با مردای قبل فرق داره. اون موقع مردا زن زندگی می‌خواستن. بچه براشون بیاره. اخلاقش خوب باشه. اما الان مردا می‌خواهن یک زن کنارشون باشه که خوشگل باشه و بهش بنازن. برای اون، زن مثل یک جنس می‌مونه. الان پسر که می‌یاد خواستگاری می‌گه می‌خواهم خیلی خوشگل باشه که به مامانم نشون می‌دم بگن عجب دختری! خب این روی من اثر گذاشته.»

به این ترتیب بخشی از نگرش جنسیتی موجود را تصور جسمانی مرد از زن تشکیل می‌دهد.

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۷۷

جنس دوم پنداری زنان: از دید مصاحبه شوندگان علاوه بر جنبه جسمانی نگرش مردان نسبت به زنان، از جنبه غیر جسمانی یا فکری و روحی نیز، مردان نگرش ویژه‌ای نسبت به زنان دارند. نگرشی که افکار و اعمال زنانه را محدود نموده و او را به جنس دوم بودن در روابط متقابل با مردان تبدیل می‌نماید. اکرم ۱۹ساله، دانشجو و مهسا و مجرد در این‌باره نظر مشابهی داشتند که در ادامه نظر مهسا آورده می‌شود:

«ببینید توی جامعه ما، مردها زن را دست کم می‌گیرن، اونو پایین‌تر می‌دونن. من دیدم توی خیابون مثلاً اگه یک زن موقع رانندگی یک اشتباه بکنه مردها زود مسخرش می‌کنن. اونم بیچاره هول می‌شه. یا اگه یک جایی زن بخواد خودشو نشون بده، فکر می‌کنن نمی‌تونه. فقط چشمشون به ظاهرته که چه رنگ و رویی داری و چه شکلی هستی. خود به خود این نگاه‌ها روی ما اثر می‌ذاره. زن توانایی‌هاش کم نیست. اما این باور بین مردها ما نیست.»

بها ندادن به فکر زن مفهوم بعدی مربوط به مقوله جنس دوم پنداری زنان است. به اعتقاد فاطمه و سمانه مردان ایده‌های فکری خود را به ایده‌های فکری زن ترجیح می‌دهند. فاطمه در این‌باره می‌گوید:

«من واقعاً در اصل به خواست خودم نبوده که جراحی کردم. رفتار شوهرم خیلی روی من اثر گذاشت. وگرنه چرا دوره مجردی عمل نکردم. می‌تونم بگم مردها زیاد فکر زن را تحویل نمی‌گیرن. از زن بیشتر انتظار به خود رسیدن و بچه‌داری دارن. مردها کاری به فکر زن ندارن. مثلاً من اگه نظری پدم، شوهرم به دنبال آوردن دلیل منطقی برای من نیست. اصلاً نظر منو نمی‌پرسه.»

نگاه جنسی مدار پسران به دختران: برخی از مشارکت‌کنندگان بیان داشته‌اند که نه تنها در روابط نزدیک مرد و زن، نگاه کالا گونه‌ای به زن وجود دارد، بلکه در روابط اجتماعی نیز گاهی نگاه انسانی به زن، به نگاه جنسی تقلیل یافته‌است. به گونه‌ای که نگاه‌های جنسی محور، موجب آزار روحی دختران می‌گردد.

متلک‌های طعن‌آمیز و تحقیرکننده در خیابان، از جمله رفتارهای پسران با دختران نوجوان و جوان است که به اقتضای سن، حساسیت فرد را بیشتر نموده و اقدام به دستکاری بدن را تسهیل می‌نماید. فرزانه و فرخنده رفتار جنسی محور پسران را تجربه نموده‌اند که در ادامه صحبت فرخنده آورده می‌شود.

«من تو فکر جراحی زیبایی نبودم. از چند مدت پیش که لاغر شده بودم پسرها زیاد توی خیابان بهم متلک می‌گفتن که این چه بینی هست. بیچاره! می‌گفتن: بیایید پول جمع کنیم بینی‌اش را عمل کنه. همینا روی من اول از همه اثر گذاشت. دیگه جلوی آینه که می‌رفتم باورم شد که بینی بدی دارم و باید عمل کنم.»

در برخورد‌های جنسی محور پسران نسبت به دختران، گاهی از طریق تشویق‌های ظاهرگرایانه دختران، آنان را به تمرکز بیشتر به ظاهر خویش سوق می‌دهند. ساناز ۲۰ ساله، مجرد و دارای تحصیلات لیسانس، می‌گوید:

«همون طور که می‌بینید من ظاهرم بد نیست، خوبه. اینکه می‌گید چرا عمل کردید، می‌تونم بگم بیشتر تحت تأثیر حرف‌های دیگران قرار گرفتم. مثلاً رفتار پسرها روی من اثر می‌داشت. راستش پسرها از ظاهر من تعریف می‌کردن، می‌گفتن بینات را درست کنی دیگه حرف نداری. خب این حرف‌ها به نوعی روی من اثر می‌داشت و وسوسه می‌شدم که اگه عمل کنم خیلی خوب می‌شم.»

در حقیقت نگرش مردان نسبت به زنان وجه غالب شکل‌گیری نگرش‌های جنسیتی است. به گونه‌ای که زنان خود را از دید مردان تعریف کرده و مردان مرجع ارزیابی مهمی برای آنان در جامعه به شمار می‌آیند.

نگرش زنان نسبت به مردان

هنگامی که زنان جامعه دارای این نگرش باشند که مرد بر حسب آنچه که در ظاهر می‌بیند، با زن رفتار می‌کند، زن با چنین نگرشی نسبت به مرد با او تعامل برقرار می‌نماید. دو مقوله «محوریابی ظاهر زن در نزد مرد» و «عدم اطمینان به همسر»، به عنوان مقوله‌های فرعی مرتبط با نگرش زنان نسبت به مردان به دست آمد.

محوریابی ظاهر زن در نزد مرد: بنا به گفته برخی از مشارکت‌کنندگان، زنان با باور به اینکه مرد در تعامل با زن، به ظاهر وی توجه داشته، ظاهر را در اولویت بهتر شدن نسبت به سایر ویژگی‌های خویش قرار داده‌اند.

ماندانا که برای جوانی و زیبایی خود اهمیت قابل بوده، در پاسخ به چرایی این تصور نسبت به خود می‌گوید:

«به نظر من مرد عقلش به چشمش. یک دختر، خوب می‌دونه که پسرها بیشتر به یک دختر زیبا توجه دارن و چشمشون دنبال اونیه که زیباتره. من هم اینو از خود مردها شنیدم که می‌گن ظاهر براشون خیلی مهمه و اول به ظاهر توجه می‌کنن، بعد به بقیه چیزها. با دوستانم هم که صحبت می‌کنیم همه این موضوع رو قبول دارن.»

صبا نیز به ملاک و معیار مردان در انتخاب همسر اشاره نموده و آن را سرشار از ظاهرگرایی دانسته

است:

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۷۹

«تو جامعه ما که دختر باید بشینه تا یکی بیاد خواستگاریش، خب خیلی طبیعی هست که نگاه می‌کنه ببینه مردها به چی بیشتر توجه دارن. انتخاب مردها به سمت اون خانم‌هایی هست که خوشگلترند. اگه اونها اینقدر به این موضوع توجه نمی‌کردن، خانم‌ها هم اونقدر به سمت زیبایی نمی‌رفتن. من جراحی خودم یا جراحی خیلی از دخترای دیگه را بیشتر به این خاطر می‌دونم.»

به این ترتیب می‌توان گفت به عقیده آنان محورهای ظاهر زن در نزد مرد و شناخت این نقطه ضعف در مردان آنان را به بهینه نمودن ظاهر واداشته است.

عدم اطمینان به همسر: عدم اطمینان به همسر به مانند آفتی در یک محیط خانوادگی، همسران را از یکدیگر دور می‌کند. مشارکت‌کنندگان متأهل در پاسخ به این سؤال که «نظر همسران درباره اقدام به جراحی شما چه بوده است؟»، صحبت نموده‌اند. در ادامه نظر زیبا به عنوان نمونه آورده می‌شود:

«شوهرم می‌گفت اگه بینات را عمل کنی خیلی بهتر می‌شی، من هم قبول کردم. آخه مردها موجوداتی هستن که دوست دارن طرفشون زیبا باشه. اونا زمانی که چنین زنهایی را می‌بینن خیلی احتمال داره که به سمتشون کشیده بشن. مردها نیازشون اینه که زن به خودش برسه وگرنه بیرون دنبال زنه‌ای دیگه سعی می‌کنن نیازشون برآورده کنن. منم فکر کردم که عقلانیه که عمل کنم.»

به جز مشارکت‌کنندگان متأهل، نرگس ۱۹ ساله، مجرد، غیر شاغل و لیسانس که تحت تأثیر رفتارهای جنسی محور پسران بوده، به آینده خویش نیز فکر نموده است. وی می‌گوید:

«من رفتار پسرها را که می‌بینم، احساس می‌کنم ضروری هست که زن زیبایی داشته باشه. دوست دارم بعداً برای طرف مقابلم خوب باشم. طرفم که یک زن خوشگل می‌بینه از من راضی باشه. موقعی که زیبا باشی، دیگه مرد برای چی بره سراغ زنه‌ای دیگه.»

بنابراین می‌توان گفت برخی از مشارکت‌کنندگان برحسب نگرشی که نسبت به مردان دارند، وجود زنان زیباتر از خویش را در پیرامون همسر، به عنوان یک خطر در جهت از دست دادن همسر می‌دانند.

پیشرفت علم

نگرش جنسیتی ظاهرگرایانه حاکم ایجاب می‌کند از امکانات موجود جهت اعمال این نگرش‌ها استفاده شود. در این راستا، برخی از مشارکت‌کنندگان به نقش پیشرفت علم در اقدام به جراحی اشاره نموده‌اند. پیشرفت علم در قالب دو مفهوم تبحر یافتن پزشکان و ابزارهای پزشکی پیشرفته، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

ماندانا، مریم و ماریا به چند سال وسوسه خویش و تبحر یافتن پزشکان و پیشرفت علم اشاره داشته‌اند که در دامه نظر ماندانا به عنوان نمونه مصاحبه آورده می‌شود:

«چند سال پیش، بینی‌های کسانی که عمل کردن را با دقت نگاه می‌کردم و می‌دیدم که عیب و ایراد زیاد دارد. مثلاً یا کج بودن یا خیلی حالت سربالایی داشتن. اصلاً طبیعی نبود حالت‌هاشون. انگار بینی مصنوعی که چسبیده باشه به صورت. اما این اواخر می‌دیدم که خیلی‌ها عمل کردن و اصلاً معلوم نبود. خیلی حالت طبیعی داشتن. خب مطمئن‌تر شدم که می‌تونم عمل خوبی داشته باشم. زمانی که دیدم پزشکان خوب و مجربی تو ایران هستن، نگرانیم کم شد.»

وجود ابزارهای پیشرفته پزشکی روز به روز پیغامی جدید برای آنان که در آرزوی داشتن زیبایی بیشتر هستند، به ارمغان می‌آورد. افراد نیز در یک محاسبه سود و زیان، نفع رفتن به زیر تیغ جراحی زیبایی را نسبت به ضررهای آن بیشتر می‌دانند. چرا که نگرش جنسیتی موجود آن را می‌طلبد.

مقوله هسته: تصور بدنی زنان تحت سیطره نگرش ظاهرگرایانه مردان در صور گوناگون

نگرش جنسیتی موجود در بردارنده تصورات قالبی جنسیتی و کلیشه‌ای است که به شخصیت، بدن، نقش شغلی و جهت‌گیری نقش جنسیتی زن ارتباط می‌یابد. تصورات قالبی جنسیتی به گونه‌ای بوده که در هر ۴ مؤلفه مذکور، زنان را به سمت فرهنگ ظاهرگرایی و دستکاری بدن سوق می‌داد و این موضوع به خصوص از جانب نگرش جنسیتی ظاهرگرایانه مرد شیوع می‌یابد.

با توجه به پیشرفت علم در زمینه جراحی زیبایی، مقوله «تصور بدنی زنان تحت سیطره ظاهرگرایی غالب مردان در شرایط پیشرفت‌های علمی» به عنوان پدیده، استخراج گردید. به این مضمون که در نتیجه‌ی نگرش نسبت به زن در تعاملات مردان و زنان، همراه با نقش تسهیل‌گر پیشرفت‌های علمی، این پدیده ظهور می‌کند.

شرایط مداخله‌گر

علاوه بر شرایط علی، شرایط مداخله‌گر در بستری که فرد در آن قرار گرفته باعث تخفیف یا تشدید پدیده‌ها می‌شود. خاستگاه فرهنگی، اجتماعی به عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر است. زنانی که به زیبایی به عنوان سرمایه زن اشاره داشتند و یا بر ویژگی ظاهری تأکید زیاد داشتند، عمدتاً دارای تحصیلات غیردانشگاهی بوده‌اند. همچنین زنانی که در نگرش زنان نسبت به مردان، بر عدم اطمینان به همسر و یا جنس دوم‌پنداری از سوی مردان نظر داده‌اند، زنانی خانه‌دار و دارای تحصیلات غیر دانشگاهی بوده‌اند. حال

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۸۱

آنکه زنان شاغل کمتر درباره جنس دوم پنداری زنان از سوی مردان صحبت نموده‌اند. پیشرفت علم نیز به عنوان یک شرط مداخله‌گر در مناسبات ظاهرگرایانه مردان و زنان، توانسته در تصور بدنی زنان نقش داشته باشد.

زمینه

پدیده‌ها در زمینه‌های مختلف، شکل خاصی به خود می‌گیرند. نگرش‌های جنسیتی نشان از وجود یک بستر مردسالارانه در جامعه دارد؛ چرا که یکی از شاخص‌های سیالیت ایدئولوژی مردسالار در هر جامعه‌ای، نگاه کالاهنگی به زن و برجسته شدن نقش ظاهر و بدن زن در زندگی روزمره است. در چنین بستری، فرهنگ مردسالار، زن را به سمت مورد پسند واقع شدن سوق می‌دهد. او به طوری عمل می‌کند که نگرنده می‌طلبید.

علاوه بر آن، به سرعت بستر فرهنگ ظاهرگرایی شیوع می‌یابد. در فرهنگ ظاهرگرایی، مقایسه افراد از یکدیگر، حول دارایی‌های قابل نمایش و از جمله زیبایی بدن و ظاهر می‌چرخد. این بستر فرهنگی، الگویی را رواج می‌دهد که افراد گمان می‌کنند وارد نشدن در بازار مقایسه، آنان را از فرصت‌هایی باز می‌دارد.

دیگر زمینه و بستر چنین پدیده‌ای، سهولت دسترسی به پیشرفت‌های علمی در زمینه جراحی‌های زیبایی است. زمانی که پیشرفت‌های علمی در زمینه جراحی زیبایی در یک منطقه بکار برده شود و افراد به راحتی بتوانند آن را دریافت کنند، ترغیب به انجام جراحی‌های زیبایی نیز بیشتر می‌شود.

راهبردهای کنش / کنش متقابل

- تمرکز فکر بر ظاهر

راهبردهای کنش / کنش متقابل، شیوه رفتاری است که به دلیل حضور شرایط، افراد برمی‌گزینند. با تلقی زیبایی به مثابه ویژگی زنانه و زیبایی به عنوان یک اسطوره، آنان راهبرد تمرکز فکر بر ظاهر را در کنش/کنش متقابل اتخاذ نموده‌اند. به طوری که در زندگی روزمره بخشی از زمان خویش را این‌گونه افکار اشغال نموده‌است.

- زندگی کردن توأم با اعتقاد به ضرورت توجه به زیبایی زن

دومین راهبرد کنش/کنش متقابل، زندگی کردن توأم با اعتقاد به ضرورت توجه به زیبایی زن در زندگی است که حاصل ایجاد تفاوت دنیای زنانه و دنیای مردانه است.

- اولویت دادن به ظاهر و بدن در روابط با جنس مخالف

زنانی که تلقی کالاگونه‌پنداری از سوی مردان را مشاهده کرده‌اند، اولویت دادن به ظاهر و بدن در رابطه با جنس مخالف، را به عنوان راهبرد کنش/کنش متقابل اتخاذ نموده‌اند.

- دلواپسی از نگاه مردان به خود در روابط با آنها

برخی از مشارکت‌کنندگان که در سنین زیر ۲۰ سال بوده، دارای تجربه نگاه جنسی مدار پسران به دختران بوده‌اند. دلواپسی از نگاه مردان در روابط با آنها، کنشی است که آنان بر حسب تصور بدنی حاصل شده، داشته‌اند.

-گزینش منابع اطلاعاتی نوین

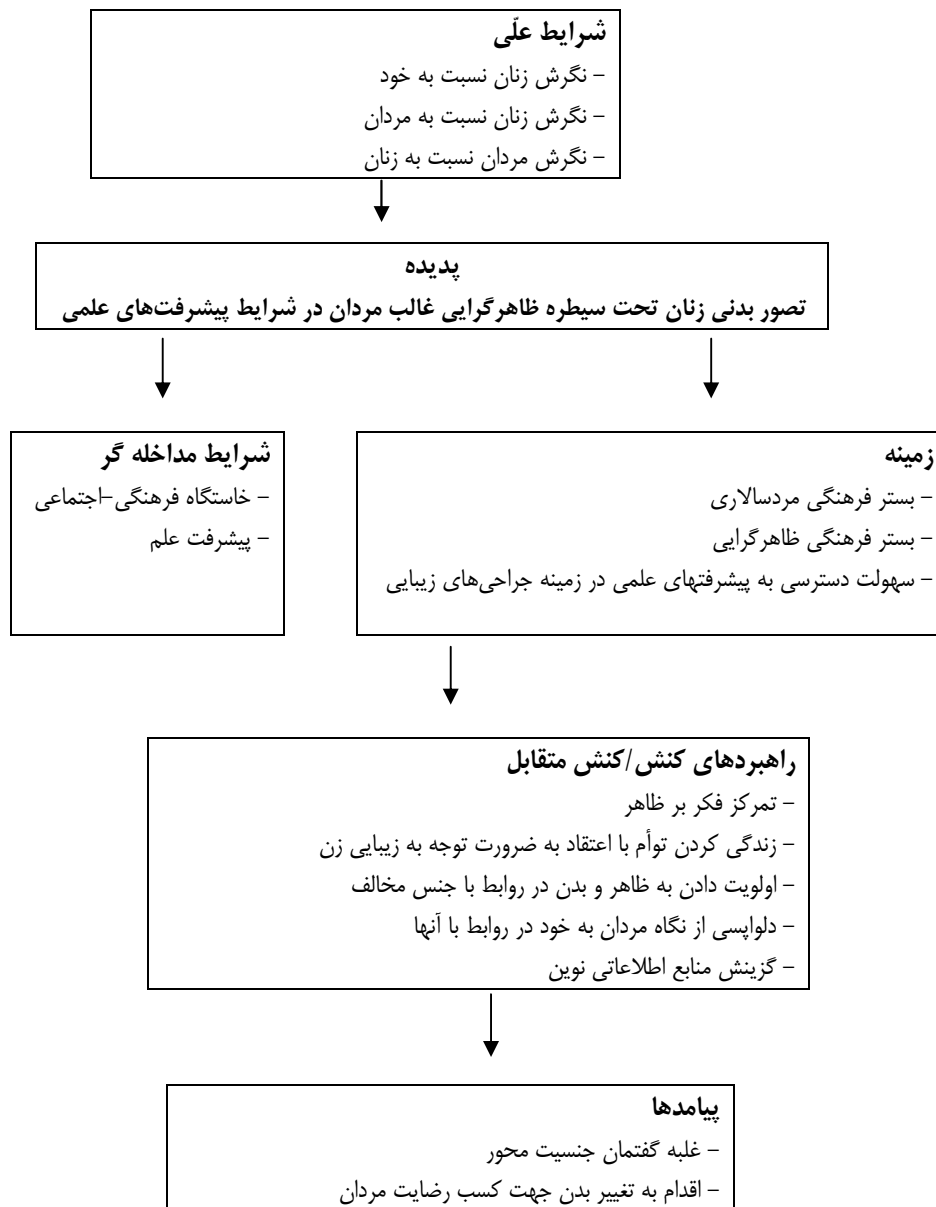
با پیشرفت‌های علمی در زمینه جراحی زیبایی، زنان در جستجوی منابع اطلاعاتی جدید در این باره هستند. با توجه به آنکه تصور بدنی دارای دو بعد سرمایه گذاری تصور بدنی (درجه اهمیت شناختی بدن در روابط) و ارزیابی تصور بدنی (رضایت و عدم رضایت بدنی) است، آنچه که در خصوص راهبردهای کنش/کنش متقابل گفته شد، نمایانگر تصور بدنی منفی زنان مورد مطالعه بوده است.

پیامدها

نگرش جنسیتی همراه با پیشرفت‌های علمی، پیامدهایی را برای افراد داشته‌است: اغلب مشارکت‌کنندگان دارای گفتمان جنسیت محور بوده و گفتگوها پیرامون جدایی انکارناپذیر جنس مرد و زن در عرصه‌های گوناگون بوده است. با گفتن اینکه زن‌ها اینگونه و مردان آنگونه‌اند و کاربرد مداوم صفت مرد و زن در کلیه روابط اجتماعی، جنسیت محوری، مبنای قضاوت‌ها پیرامون رفتارهای افراد می‌گردد.

اقدام به تغییر بدن جهت کسب رضایت مردان، دیگر پیامد حاصل از نگرش جنسیتی حاکم بوده که زنان را در موضع ظاهرگرایی جهت نزدیک شدن به مردان قرار داده است. ارزشمندی ظاهر نسبت به باطن دیگر پیامد پدیده مذکور می‌باشد که در نتیجه آن نگرش جنسیتی به گونه‌ای است که ظاهر یک زن در بسیاری تعاملات منشأ قضاوت گردیده و به روحیه و باطن وی توجه لازم نگردد. در نهایت پیامد حاصله به واسطه پیشرفت‌های علمی، پایین آمدن ریسک جراحی‌های زیبایی بوده است.

مدل پارادایمی: نگرش جنسیتی حاکم بر جامعه در خلال پیشرفت علم



- ارزشمندی توجه به ظاهر نسبت به باطن
- پایین آمدن ریسک جراحی‌های زیبایی

نظریه مبنایی پژوهش

نظریه زمینه‌ای نظریه‌ایست که از داده‌ها نشأت می‌گیرد. داده‌هایی که به طور نظام‌مندی جمع‌آوری و طی فرآیند تحقیق تجزیه و تحلیل می‌شود (گلیزر و اشتروس، ۱۹۹۶).

نگرش جنسیتی آن چیزی است که در حوزه فکری فرد پدید می‌آید. فرد چنین نگرشی را در مناسبات خود با مردان و زنان به دست می‌آورد و آن را درونی می‌نماید. به واسطه حضور چنین نگرشی، بدن و ظاهر خویش را نظاره می‌کند و شیوه تصوّر بدنی خود را قوام می‌بخشد.

همان‌طور که گفته شد، تصورات قالبی جنسیتی که می‌تواند درباره جنس مرد یا زن باشد، جنبه‌های گوناگون خصوصیات فرد را دربر دارد. در مقوله بدست آمده اول (نگرش زنان نسبت به خود)، مقوله‌های فرعی آن تصورات قالبی جنسیتی مربوط به مؤلفه ویژگی فیزیکی را نشان می‌داد.

زیبایی به عنوان سرمایه زن و تفاوت دنیای زنانه در برابر دنیای مردانه، علاوه بر مؤلفه ویژگی فیزیکی، مؤلفه شخصیت و نقش شغلی و جهت‌گیری نقش جنسیتی را دربرداشت. با لحاظ شدن زیبایی به عنوان سرمایه، شخصیت یک زن، تا حدی به بعد فیزیکی وی تقلیل یافته و در آن جستجو می‌شود. همچنین در اظهار تفاوت دنیای زنانه و مردانه، تفاوت شایستگی‌ها، اهداف، رقابت‌ها، امتیازات و اعتماد به نفس و اهمیت بدن، هر ۴ مؤلفه درباره زنان به بعد مؤلفه ویژگی فیزیکی تقلیل یافته بود. به این معنی که در همه تفاوت‌ها، بدن و ظاهر زن مطرح است.

مقوله‌های استخراج شده از نگرش زنان نسبت به خود حاکی از آن است که تصورات قالبی جنسیتی اموری ساخته شده از سوی زنان نیست، لذا زمانی که گفته می‌شود، نگرش زنان نسبت به خود ظاهر‌گرایانه است به آن معنی است که این تصورات قالبی است که به سوی زن نشانه رفته و نگاه وی را نسبت به خود می‌سازد. لذا زن از زیبایی برای خود اسطوره می‌سازد، زن دنیایی متفاوت از دنیای مرد برای خود ترسیم می‌نماید. به این ترتیب نگرش مرد نسبت به زن است که شاکله این تصورات قالبی و در نتیجه نگرش زن نسبت به خود را ایجاد می‌کند. به این ترتیب اظهار نظر مشارکت‌کنندگان در مورد نگرش مردان نسبت به

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۸۵

زنان هر ۴ مؤلفه‌های ویژگی فیزیکی، شخصیت، نقش شغلی و جهت‌گیری نقش جنسیتی را ظاهرگرایانه می‌پندارد.

سومین مقوله اصلی بدست آمده، نگرش زنان نسبت به مردان است. به نظر مشارکت‌کنندگان توجه مردان به زنان تا حد زیادی به ویژگی فیزیکی منوط گشته است. در این بستر به صورت ضمنی، زن دارایی مرد به شمار آمده و نوع خواسته‌های زن حاکی از قرار گرفتن در بستر مردسالاری است که چنین نگرشی در زن تعبیه شده است. در این نوع نگرش جنسیتی، ارزیابی هویتی ظاهرگرایانه آشکار گشته و در مسیر یافتن هویت، توجه به ظاهر مهم می‌گردد. با این نگرش است که زن تلاش می‌نماید تا کنترلی بر بدن خویش داشته باشد.

به این ترتیب تصور بدنی که زن می‌پروراند، حاکی از خودمهاری نسبت به بدن خویش بوده که به نوبه خود پاسخی به نگرش جنسیتی ظاهرگرایانه مردان نسبت به زنان است. به طوری که نگرش جنسیتی مردان نوعی کنترل بیرونی به حساب می‌آید. علاوه بر آن نگرش زن نسبت به مرد، به عنوان یک تقویت‌کننده‌ی ابعاد تصور بدنی و اقدام به جراحی زیبایی محسوب می‌گردد. وجود چنین نگرشی می‌طلبد تا از امکانات موجود از جمله امکانات صنعت جراحی زیبایی در راستای به منصفه ظهور گذاشتن آن نگرش استفاده شود. این عنصر مدرنیته علاوه بر اینکه در خدمت سرمایه‌داری قرار گرفته است، در خدمت خواست نظام مردسالاری و اجرای مطالبات مردانه از سوی زنان نیز قرار گرفته است. می‌توان گفت با توجه به اینکه زنان زیبایی را بر حسب ویژگی مورد پسند واقع شدن زن می‌خواهند و این خواست به خصوص از سوی مردان اعمال می‌شود، سبب گردیده تا زنان نسبت به خود نگرش ظاهرگرایانه پیدا کنند. با این ترتیب در صور گوناگون نگرش جنسیتی ظاهرگرایانه مردان نسبت به زنان، توجه به بدن، زنان را تحت تأثیر خود قرار داده است. در نهایت نظریه مبنایی پژوهش حاضر با پی‌بردن به نقش نگرش جنسیتی ظاهرگرایانه حاکم و نقش تسهیل‌گری پیشرفت علم در پیدایش تصور بدنی، به ارائه دو قضیه و مدل نظری در این باره ختم می‌گردد:

قضیه اول: اگر نگرش جنسیتی ظاهرگرایانه در نتیجه‌ی:

الف: نگرش زن نسبت به خود باشد، پس وی با خودمهاری، بدن و ظاهر خویش را دستکاری می‌نماید.

ب: نگرش مردان نسبت به زنان باشد، پس این نگرش به عنوان یک کنترل بیرونی، دستکاری بدن و

ظاهر زن را موجب می‌گردد.

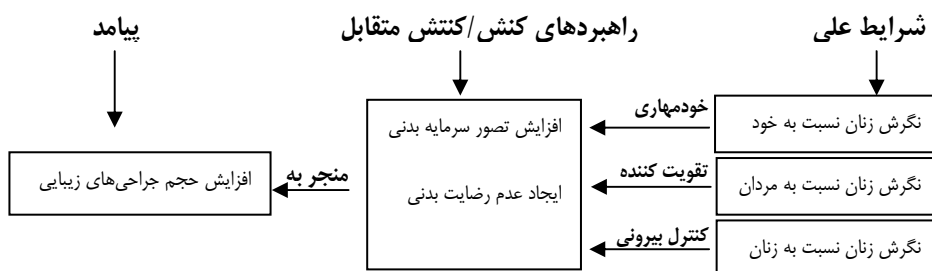
ج: نگرش زنان نسبت به مردان باشد، پس این نگرش به عنوان تقویت کننده، دستکاری بدن و ظاهر

زن را محتمل می‌گرداند.

قضیه دوم: پیشرفت علم در زمینه جراحی‌های زیبایی، تسهیل کننده اقدام به دستکاری بدن زن

می‌گردد.

مدل نظری نهایی



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر به پیدایش نگرش ظاهرگرایانه و در نتیجه اقدام به جراحی زیبایی اذعان داشت. به این ترتیب که با افزایش سرمایه گذاری تصور بدنی و ارزیابی منفی از بدن، آنان حاضر به صرف هزینه‌های مالی و زمانی خود به موضوع بدن و ظاهر بودند. با توجه به مطالعه انجام گرفته می‌توان چنین نتیجه گرفت که زنان دارای تحصیلات بالاتر و کسانی که توانسته‌اند در جامعه موقعیت اجتماعی بالاتری را کسب نمایند، دارای سرمایه گذاری تصور بدنی کمتری هستند. آنان با استقلال رأی که بدست می‌آورند سعی در داشتن روابط اجتماعی موفق‌تر بر حسب سایر سرمایه‌های خود دارند. زنانی که اوقات شبانه‌روزی آنان بر حسب کار، روابط اجتماعی و یا مطالعه باشد، زمان کمتری برای توجه به بدن و ظاهر دارند. به گونه‌ای که سرمایه گذاری تصور بدنی تحت الشعاع سرمایه روابط اجتماعی و فرهنگی آنان قرار می‌گیرد.

بر این اساس می‌توان با سیاست‌گذاری در زمینه افزایش توجه زنان به امکان کسب موفقیت‌های اجتماعی و خانوادگی از طریق افزایش سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی از تشدید رویه‌های ظاهرگرایانه

نقش نگرش‌های جنسیتی در پیدایش تصور بدنی زنان ۸۷

جلوگیری نمود. از جمله سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در این زمینه، ارائه کارگاه‌های توانمندسازی زنان و تولید و پخش برنامه‌های تلویزیونی در این راستا است.

اما عامل مسلط در شکل دهی به این تصور بدنی، نگرش جنسیتی ظاهرگرایانه مردان بود که بسیاری از زنان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. از آنجا که بسیاری از مشارکت‌کنندگان به اهمیت دید مردان نسبت به خود و نگرش آنان به خود اهمیت می‌دادند، لازم است تا از طریق آموزش، در نگرش مردان تحول ایجاد شود. چرا که نوع نگرش مردان می‌تواند تصور بدنی زنان را تحت الشعاع قرار دهد. بدین وسیله نقش ظاهر در حد معقول و نه افراطی آن در روابط جای می‌گیرد. به عبارت دیگر حال که مردان یک دیگر مؤثر برای زنان به شمار می‌آیند؛ تحول در تصور مردان درباره زنان، می‌تواند تحول در تصور بدنی زنان را به بار آورد.

منابع

- ان ماری و دیگران (۱۳۷۱) روانشناسی اجتماعی. ترجمه سید محمد دادگران، تهران: انتشارات مروارید.
بار، ویون (۱۳۸۳) جنسیت و روانشناسی اجتماعی، ترجمه: حبیب احمدی و بیتا شایق، شیراز: انتشارات نوید.
جنکینز، ریچارد (۱۳۸۵) پی یر بوردیو. ترجمه: لیلا جو افشانی و حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی. تهران: نشر نی.
عسکری، فاطمه (۱۳۸۵) زیبایی به شرط چاقو. روزنامه سرمایه، تاریخ: ۱۳/۴/۱۳۸۵.

- Biernat, M., Manis, M., & Nelson, T.E.** (1991). "Stereotypes and Standards of Judgment". *Journal of Personality and Social Psychology*, 60: 488-499.
- Cash, T. F & T, Pruzinsky (EDS)**(2002). *Body Image: A Handbook of Theory, Research and Clinical Practice*. NewYork: Guilford Press.
- Cleveland, J., Stockdale, M. & Murphy, K.** (2000). *Women and Men in Organizations*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Tajfel, H.** (1969). "Cognitive Aspects of Prejudice". *Journal of Social Issues*. 25: 70-97
- Glaser, B. G & A, Strauss.** (1967). *Discovery of Grounded Theory, Strategies for Qualitative Research*. London: Weidenfeild and Nicolson.
- Schilder, P.C.** (1950). *The Image and Appearance of The Human Body*. NewYork: International University Press.
- Spitzer, B. L & , K.A, Henderson & M. T, Zivian.** (1999). "Gender differences in Population Versus Media Body Size: A Comparison Over Four Decades", *Sex Role*. 40: 545-565.
- Strauss, A & J, Corbin.** (1998). *Basices of Qualitative Research*. London: Sage.
- Tajfel, H.** (1969). "Cognitive Aspects of Prejudice". *Journal of Social Issues*. 25: 70-97.

Turner, J. H. (1998). *The Structur of Sociological Theory*. London: Wadworth Publishing Company.

Volf, N(2002). *The Beauty Myth*. New York: HarperCollins Publishers Inc.